



دانشگاه سبزگان

دانشکده‌ی علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه برای اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

تحلیل و طبقه‌بندی مسائل اجتماعی در دیوان انوری

استاد راهنما:

آقای دکتر بهروز ژاله

استاد مشاور:

آقای دکتر مجتبی بشر دوست

نگارنده:

قدرت‌اله خدرلو

تابستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



باسمه تعالی

شماره: ۲۸۱۴۹ / ۱۰۵

تاریخ: ۸۹/۷/۲۵

پیوست: نراره

صورتجلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی تحصیلی دوره‌ی کارشناسی ارشد

با تأییدات خداوند متعال و با استعانت از حضرت ولی عصر (عج) جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد

آقای قدرت الله خدرلو دانشجوی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی با عنوان:

تحلیل و طبقه بندی مسائل اجتماعی در دیوان انوری

که در تاریخ ۱۳۸۹/۷/۱۹ با حضور هیأت محترم داوران در دانشگاه زنجان در آمفی تئاتر دانشکده‌ی علوم انسانی برگزار گردید، به شرح زیر است:

قبول (با درجه: بسیار خوب) امتیاز: ۱۷ به حروف: هفده دفاع مجدد مردود

۱. عالی (۱۸-۲۰)

۲. بسیار خوب (۱۶-۱۷/۹۹)

۳. خوب (۱۴-۱۵/۹۹)

۴. قابل قبول (۱۲-۱۳/۹۹)

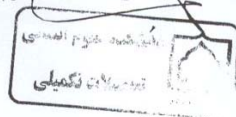
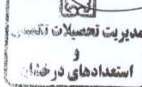
عضو هیأت داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه‌ی علمی	امضاء
استاد راهنما:	دکتر بهروز ژاله	استادیار	
استاد مشاور:	دکتر مجتبی بشردوست	استادیار	
استاد ممتحن:	دکتر امیر مومنی	استادیار	
استاد ممتحن:	دکتر جمیله اخیانی	استادیار	
نماینده تحصیلات تکمیلی:	دکتر خسرو کمالی سروستانی	استادیار	

دکتر حمید جلالیان

معاون آموزشی

و مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی علوم انسانی

دکتر سید حسین میر موسوی
دانشگاه زنجان
مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده‌ی زنجان



استفاده از مطالب این پایان نامه با ذکر منبع بلا مانع است.

تقدیر و تشکر

الحمد لله ربّ العالمین

خدای قادر و متعال را شاکرم که به بنده توفیق دادند تا بتوانم این پایان نامه را به اتمام برسانم. پس از حمد خداوند لازم است از همه ی استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زنجان تقدیر و سپاس خود را به جای آورم. از جناب آقای دکتر ژاله که همواره با صبر و حوصله و تشویق در نوشتن این پایان نامه راهنمایم بوده اند، سپاس گزارم و نیز از جناب آقای دکتر بشر دوست که همواره با راهنمایی ها، تشویق ها و دلگرمی های خود یاریگر اینجانب بوده اند، سپاسگزارم. همچنین از جناب آقای دکتر محبتی که پیشنهاد این موضوع را برایم دادند، قدر دانی می‌کنم.

چکیده:

موضوع پژوهش حاضر بررسی مسایل اجتماعی در دیوان انوری است. در این تحقیق ابتدا کلیاتی در مورد جامعه شناسی ادبیات ، رابطه ادبیات و جامعه آمده است. سپس انوری، شاعر قرن ششم ایران، معرفی شده و اوضاع اجتماعی عصر انوری بیان شده است. در ادامه ی تحقیق مباحث اجتماعی موجود در دیوان انوری شامل آداب و تشریفات ، ارزش های اجتماعی ، عدالت ، امنیت ، تصویر زن در دیوان انوری ، جایگاه تصوّف ، طنز و هجو و هزل ، انتقاد از اوضاع زمان ، مسائل اخلاقی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی مطرح شده است و هر یک از موضوعات ذکر شده با ذکر شواهدی از دیوان تحلیل و بررسی شده است.

واژگان کلیدی : انوری ، جامعه شناسی ادبیات، شعر فارسی ، مسائل اجتماعی

فهرست

صفحه

مقدمه ۱

بخش اول : کلیات

فصل اول

جامعه شناسی ادبیات: تاریخچه و شاخه های آن ۴

تعریف جامعه شناسی ادبیات ۵

شاخه های جامعه شناسی ادبیات ۶

روش تجربی ۶

روش دیالکتیکی یا ساخت گرا ۷

جامعه شناسی در ادبیات یا اجتماعیات در ادبیات ۸

تاریخچه جامعه شناسی ادبیات ۹

جامعه شناسی ادبیات در غرب ۹

جامعه شناسی ادبیات در ایران ۱۳

نقد اجتماعی ۱۵

فصل دوم

تاثیر متقابل جامعه و ادبیات ۱۷

تاثیر جامعه بر ادبیات ۱۸

تاثیر ادبیات بر جامعه ۲۱

فصل سوم

- ۲۳..... هنر برای هنر یا هنر در خدمت جامعه.
- ۲۴..... نظریه ها.
- ۲۸..... برخی دیگر از نظریه های میانه رو.
- ۲۸..... مکتب پاراناس.
- ۲۹..... هنر برای اجتماع در مقابل هنر برای هنر.
- ۳۲..... نتیجه.

بخش دوم:

معرفی انوری و تحلیل مسائل اجتماعی شعر انوری

فصل اول

- ۳۴..... معرفی انوری و شرایط اجتماعی عصر انوری.
- ۳۵..... زادگاه، سال وفات و محل وفات.
- ۳۵..... تحصیلات و آثار.
- ۳۶..... انوری و واقعه ی قران.
- ۳۷..... انوری و دیگر شاعران.
- ۳۸..... ممدوحان انوری.
- ۳۹..... شعر انوری.
- ۴۱..... اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر انوری.

فصل دوم

- آداب و تشریفات و ارزش های اجتماعی..... ۴۶
- آداب و تشریفات ۴۷
- آیین بار خواستن ۴۸
- عیادت از بیماران ۴۸
- پرهیز از تکلف ۴۹
- نامه نگاری ۴۹
- تهنیت برای خوردن دارو ۴۹
- ارزش های اجتماعی ۵۰
- اغتنام فرصت ۵۰
- کم گویی ۵۱
- ارزش انسان به هنر و فضیلت اوست ۵۱
- شرف انسان ۵۱
- ارزش تعلیم و تعلم ۵۲
- پرهیز از بدگویی ۵۲
- گذشت و عفو ۵۲
- مدارا با مردم ۵۲
- هر چه کنی به خود کنی ۵۳
- در نکوهش غرور و تکبر بی جا ۵۳

فصل سوم

۵۵	عدالت، امنیت و جنگ
۵۶	عدالت
۶۳	امنیت
۶۶	جنگ

فصل چهارم

۶۸	انتقادات و شکایات
۶۹	انتقاد از طبقات اجتماعی
۷۰	انتقاد از طبیبان
۷۰	انتقاد از صوفیان
۷۱	انتقاد از اصحاب دیوان
۷۲	انتقاد از بازاریان
۷۳	انتقاد از والیان
۷۵	سایر انتقادات
۷۷	شکایت از روزگار

فصل پنجم

۸۱	جایگاه زن
----	-----------

فصل ششم

۸۸	تصوف
۸۹	نقد صوفیه

فصل هفتم

- ۹۴.....طنز، هجو، هزل و شهر آشوب
- ۹۵.....طنز
- ۱۰۱.....هجو
- ۱۰۵.....هزل
- ۱۰۶.....شهر آشوب

فصل هشتم

- ۱۰۹.....مسائل اخلاقی
- ۱۱۰.....قناعت
- ۱۱۳.....نکوهش حرص و طمع
- ۱۱۴.....مروت و جوانمردی
- ۱۱۵.....نکوهش دروغ
- ۱۱۵.....وفاداری
- ۱۱۶.....چاپلوسی

فصل نهم

- ۱۱۸.....مسائل فرهنگی
- ۱۱۹.....جایگاه علم
- ۱۲۲.....جایگاه شعر

فصل دهم

۱۲۵	مسائل سیاسی
۱۲۶	حکومت
۱۳۱	میهن پرستی و وطن دوستی
۱۳۶	رابطه بین دین و دولت

فصل یازدهم

۱۴۳	مسائل اقتصادی
۱۴۶	فقر و تنگدستی
۱۴۸	ستایش ممدوح برای بخشش
۱۵۰	ملتمسات
۱۵۳	حاصل سخن
۱۵۴	یادداشت ها
۱۵۹	فهرست منابع

نام انوری در نزد ادب دوستان، قصیده‌ی « نامه ی اهل خراسان » را فرا یاد می‌آورد. شعری که شاید از مهم ترین قصاید فارسی است. مخصوصاً ابیات آغازین قصیده که حالتی تغزل گونه دارد:

به سمر قند اگر بگذری ای باد صبا
نامه ی اهل خراسان به بر خاقان بر

نامه ای مطلع آن رنج تن و آفت جان
نامه ای مقطع آن درد دل و سوز جگر

این قصیده شاید بتواند به تنهایی نام انوری را در جایگاه شاعران اجتماعی قرار دهد. اغلب نویسندگانی که در باره‌ی ارزش اجتماعی شعر انوری سخن گفته اند، این قصیده را به عنوان مدعا ذکر کرده اند. در قطعات انوری نیز اشعار اجتماعی کم نیست؛ مانند قطعه ی «والی ستمگر»، « روبهی می دوید از غم جان »، « آلوده‌ی منت کسان کم شو » و وجود چنین اشعاری در دیوان انوری تحلیل و بررسی شعر او را از نظر اجتماعی امکان پذیر می‌سازد.

تنها اشارات اجتماعی و انتقادات مطرح شده‌ی مستقیم شاعر نیست که در داخل حوزه ی مسایل و مباحث اجتماعی قرار می گیرند، بلکه به وسیله شعر هر شاعری می توان شرایط اجتماعی زمان او را بررسی نمود. به عبارت دیگر می توان از طریق ادبیات و شعر به جامعه شناسی پرداخت. یکی از نقش های مهم شعر و ادبیات در ایران نقش اجتماعی آن است. به ویژه دوران مشروطیت در ایران دوران طلایی شعر اجتماعی است. ادبیات قرنهای ششم و هفتم نیز از اعصار مهم تاریخی ایران است که اوضاع اجتماعی در شعر شاعرانی مانند سنایی، سعدی و از جمله انوری انعکاس یافته است.

نقش اجتماعی شعر در ایران توسط اغلب نویسندگان و محققان مطرح شده و به آن اشاراتی رفته است. « شعر دو کار مهم می تواند داشته باشد: « الف- ساختار و عملکرد جمال شناختی شعر

ب- کارکرد اجتماعی یا بینش اخلاقی شعر » (کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۲۵)

نقش اجتماعی شعر انوری را شفيعی کدکنی در سه حوزه شعر های مدیح، سیاسی و اجتماعی قابل بررسی می داند.

« شعر مدیح بر روی هم اگر به شیوه ی درست و علمی تحلیل شود، یکی از مهم ترین اسناد بررسی تحول ارزش ها در سیر تاریخی جامعه است تا براساس مطالعاتی دقیق روشن شود که در این چهارده قرن دوره ی اسلامی ، دست کم در دوازده قرن آن که اسناد شعری مکتوب از آن باقی است، چه چیز هایی به عنوان ارزش مورد احترام جامعه بوده است.» (شفيعی کدکنی ، ۱۳۸۴: ۱۰۳) وی مهمترین شعر سیاسی انوری را نیز همان « قصیده ی نامه ی اهل خراسان» می داند. اما شعر اجتماعی انوری اغلب در قطعات او مبرهن و آشکار است. « هنر اصلی انوری در شعر های اجتماعی، از لونی دیگر است، در شعرهایی است که در آن به غریزه، نابرابری ها، بی عدالتی ها و بحران ارزش های مترقی را با زبانی استوار و فصیح و پاکیزه احساس و تصویر کرده است.» (همان، ۱۰۵) شفيعی به حق بعضی از قطعات انوری را « شاهکارهای شعر اجتماعی و انتقادی سر اسر زبان فارسی » بیان می دارد. تأملات مذکور به من این جسارت را بخشید تا « تحلیل و طبقه بندی مسایل اجتماعی » را موضوع پایان نامه ی خود انتخاب کنم.

پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست مربوط است به کلیاتی در مورد جامعه شناسی ادبیات و نقد اجتماعی که در سه فصل جداگانه تنظیم شده است. بخش دوم پایان نامه به شعر انوری و مسائل اجتماعی در دیوان این شاعر اختصاص دارد. بخش دوم شامل یازده فصل است که فصل نخست آن به معرفی انوری و شعر او اختصاص دارد و در فصلهای بعدی مسائل اجتماعی شعر او مورد بررسی واقع شده است.

والسلام

قدرت اله خدرلو- شهریور ۱۳۸۹

بخش اول :

کلیات

-جامعه شناسی ادبیات

-جامعه و ادبیات

-نظریه هنر برای هنر یا هنر در خدمت اجتماع

فصل اول:

جامعه‌شناسی ادبیات: تاریخچه و شاخه‌های آن

جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های نو ظهور علم جامعه‌شناسی است که در قرن نوزدهم در غرب شکل گرفت و در قرن بیستم به اوج شکوفایی خود رسید.

«رشته‌ای که از پیچیده‌ترین، میان رشته‌ای‌ترین و چه بسا گیراترین رشته‌های مربوط به فرهنگ و علوم انسانی است.» (پوینده، ۱۳۷۷: ۱۱)

در ایران نیز در حدود چهل سال پیش شاخه‌ای از این رشته با عنوان اجتماعیات در ادبیات مورد توجه قرار گرفت. و «واحدی به نام اجتماعیات در ادبیات» وارد رشته‌ی جامعه‌شناسی دانشگاهها گردید. (یوسفیان، ۱۳۷۳: ۹۳) اما در کشور ایران این علم بسیار نوپاست و چنان که بایسته است مورد پژوهش علمی واقع نگردیده است.^۱

در این فصل ابتدا به تعریف جامعه‌شناسی ادبیات اشاره می‌شود. سپس برای روشن شدن رابطه‌ی این موضوع با موضوع پژوهش ما، شاخه‌های جامعه‌شناسی ادبیات ارائه می‌گردد. سرانجام به تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات در غرب و ایران و بنیانگذاران آن اشاره می‌شود.

تعریف جامعه‌شناسی ادبیات :

جامعه‌شناسی ادبیات را به شاخه‌هایی تقسیم کرده‌اند که با معرفی این شاخه‌ها می‌توان تا حدودی به تعریف هر یک از آنها پی برد. برای این علم بدون در نظر گرفتن شاخه‌ها تعاریفی نیز ارائه شده است که به دو نمونه‌ی آن اشاره می‌شود :

«جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که رابطه‌ی بین ادبیات و جامعه را مطالعه می‌کند.» (همان، ۹۵)

نعمت اله فاضلی برای جامعه‌شناسی هنر و ادبیات تعریف زیر را ارائه کرده است.

«جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، رابطه‌ی میان جامعه و هنر و قوانین حاکم بر آنها را بررسی می‌کند.»

(فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۱۰)

شاخه‌های جامعه‌شناسی ادبیات:

جامعه‌شناسی ادبیات را به شاخه‌هایی تقسیم می‌کنند. موضوع هر یک از شاخه‌ها علمی جداگانه است و با دیگر شاخه‌ها ارتباط چندانی ندارد. به طور کلی جامعه‌شناسی ادبیات را میتوان به سه شاخه‌ی زیر تقسیم کرد.^۲

۱- روش تجربی یا پوزیتیویستی

این شاخه از جامعه‌شناسی ادبیات را در فرانسه روبراسکار پیت^۳ و همکارانش در دانشگاه بوردو پایه‌گذاری کرده و در تکوین و تکمیل آن کوشیده‌اند. این روش همواره یکی از روش‌های مورد پذیرش جامعه‌شناسان ادبی از جمله لوسین گلدمن واقع شده‌است. این روش را از آن روش تجربی نامیده‌اند که به بررسی‌های آماری مربوط به خوانندگان، نویسندگان، انتشار و غیره می‌پردازد. به بیان دیگر ادبیات و کتاب را خارج از محتوای آن بررسی می‌کند و در روش‌های پژوهشی خود به آمار و ارقام تکیه می‌کند.

« طرفداران جامعه‌شناسی تجربی ادبیات می‌کوشند این رشته را به یک علم تجربی و عینی به معنای مورد نظر ماکس وبر بدل سازند و به همین سبب نقد ادبی و زیبایی‌شناسی را از جامعه‌شناسی ادبیات به معنای دقیق کلمه جدا کنند.» (پوینده، ۱۳۷۷: ۲۳) این جریان با هر گونه چشم انداز تاریخی مخالف است.

اریش کوهلر منتقد و پژوهشگر آلمانی (۱۹۲۴-۱۹۸۱) جامعه‌شناسی ادبیات را در مقابل جامعه‌شناسی ادبی قرار می‌دهد و معتقد است که: «جامعه‌شناسی ادبیات که بخش جدایی ناپذیر جامعه‌شناسی عمومی است، برای کاربرد روش‌های جامعه‌شناسی در مورد پخش، فروش و خوانندگان، نهادهای ادبی، گروه‌های حرفه‌ای مانند نویسندگان، استادان یا منتقدان و در یک کلام هر آنچه در ادبیات خارج

از خود متن ادبی است تلاش می‌ورزد.» (همان، ۸۱)

۲- روش دیالکتیکی یا ساخت گرا

گلدمن این شاخه از جامعه شناسی ادبیات را جامعه شناسی ادبی به معنای اخص نامیده است. این شاخه از جامعه شناسی ادبیات را جورج لوکاچ بنیان نهاده است. این روش علاوه بر آثار لوکاچ در آثار گلدمن، آدورنو و ماسری نیز تسلط دارند. «جامعه شناسی دیالکتیکی ادبیات در توجه به کیفیت متن ادبی دو هدف را دنبال می کند: ۱- توضیح کارکرد اجتماعی اثر ۲- تشریح کارکرد عقیدتی یا انتقادی اثر. نظریه های دیالکتیکی فقط به کارکرد اجتماعی و اقتصادی ادبیات عامه پسند نمی پردازد، بلکه مناسبات میان ساختارهای معنایی و روایی، منافع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گروه های اجتماعی را نیز توضیح می دهند. (همان، مقاله پیرو. زیما، ۲۴) جریان دیالکتیکی هر گونه تمایز میان جامعه شناسی و تاریخ را رد می کند. گلدمن معتقد است که اثباتی بودن جامعه شناسی در گرو تاریخی بودن آن است و علمی و اثباتی بودن هر پژوهش تاریخی نیز در گرو جامعه شناختی بودن آن است. «در این روش هدف آن است که معلوم شود چه چیز پدیدارشدن اثری را در لحظه ای مشخص ممکن ساخته است.» (همان، ۲۷۰) سیروس شیمسا در توضیح این روش می نویسد: «رابطه ای بین صورت و محتوا دیالکتیکی است و صورت نتیجه ی محتواست. ساختارگرایی تکوینی به کارگرفتن روش دیالکتیکی در مطالعه ی جوامع است؛ یعنی پدیده های اجتماعی را با توجه به تاریخ بفهمیم... طبقه اجتماعی صاحب یکنوع جهان بینی است که آن جهان بینی اثر را به وجود می آورد.» (نقد ادبی، ۱۳۷۸: ۲۵۹)

بررسی خاستگاه اجتماعی نویسنده نیز با جامعه شناسی تکوینی شباهت زیادی دارد. دیوید دیچرز بررسی خاستگاه اجتماعی یک نویسنده را در پدید آوردن یک اثر همسنگ با جنبه های روان شناختی می داند. بدین معنی که همان گونه که احوال درونی و روانی نویسنده در خلق اثری ویژه نقش دارد، شرایط اجتماعی نیز از مهم ترین عواملی است که در خلق یک اثر در یک موضوع نقش ایفا می کند.

اریش کوهلر نیز در تأیید نظر گلدمن معتقد است: «جامعه‌شناسی ادبی روشی است مربوط به علم ادبیات و ما آن را علم تاریخی - جامعه‌شناختی ادبیات تعریف می‌کنیم. بن‌انگاره‌ی اساسی این علم آن است که هر جامعه‌شناسی ادبی باید به طور تاریخی عمل کند و هر تاریخ ادبیات نیز به طور جامعه‌شناختی.» (همان، ۲۳۶) این روش در غرب روش غالب جامعه‌شناسی ادبیات است و مراد از جامعه‌شناسی ادبیات در غرب اغلب همین شاخه است.

۳-جامعه‌شناسی در ادبیات یا اجتماعیات در ادبیات:

این شاخه از جامعه‌شناسی ادبیات را «جامعه‌شناسی در ادبیات» یا «اجتماعیات در ادبیات» و جامعه‌شناسی تماتیک (موضوعی) نیز نامیده‌اند. این روش به صورت بومی در ایران مورد توجه برخی نویسندگان رشته‌ی جامعه‌شناسی قرار گرفته است. و آثاری با عناوین «جامعه‌شناسی ادبیات» یا «اجتماعیات در ادبیات» را پدید آورده‌اند. موضوع اغلب این آثار بازتاب مسائل اخلاقی و اجتماعی در آثار ادبی به ویژه شاعران بزرگ پارسی است. «اجتماعیات در ادبیات هنوز چیزی جز یک دیدگاه نیست و از این رو به صورت یک علم منظم در نیامده است و علاوه بر این بومی و داخلی است.» (یوسفیان، ۱۳۷۳: ۹۷)

در غرب نیز پژوهش‌هایی در زمینه‌ی اجتماعیات در ادبیات انجام گرفته و آثاری در این زمینه پدید آمده‌اند. «در این زمینه می‌توان از کتاب ارزشمند لوئیس کوزر (Lewis A. Coser) تحت عنوان بررسی جامعه از طریق ادبیات نام برد. کوزر در این اثر، تعدادی از آثار ادبی و انتقادی نویسندگان مشهور جهان را گرد آورده و با بصیرت و دقت نشان داده است که چگونه مسائل انسانی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و عاطفی در این آثار انعکاس یافته‌اند.» (همان، ص ۹۵)

تاریخچه‌ی جامعه‌شناسی ادبیات و بنیانگذاران آن

الف- جامعه‌شناسی ادبیات در غرب